

چرا چنین اعتراضی برای ممنوع کردن موسیقی رپ و رپ وجود دارد؟ چرا دولت ما خواهان سانسور موسیقی است؟ آیا واقعا به دلیل بیفرونتی است که در اشعار این ترانه‌ها وجود دارد؟ و یا به دلیل نظرها و نگرش‌هایی است که در رپ می‌آورد؟ و یا اصلا شاید علت دیگری دارد؟ مردم می‌گویند خواهان سانسور مطالبی هستند که نکته‌مثنی در بر ندارد، اما آیا آنچه که سانسور می‌شود واقعا دارای هیچ نکته مثبتی نیست؟ آیا دلیل مناسب بداندستن مطالب سانسور شده فقط آن نیست که این مطالب، جدید، عجیب و جسورانه هستند؟

تعدادی از مردم چون تیپر گور^۲، همسر معاون رئیس جمهور، از سانسور موسیقی حمایت می‌کنند. از سوی دیگر فرانک زاپا^۳، یکی از مخالفان سانسور موسیقی، با فشاری گوز را در اثبات اینکه بعضی از انواع موسیقی باعث ترویج رفتارهای منحط می‌شود، به استهزاء می‌گیرد. زاپا می‌گوید: «اگر من ترانه‌یی در مورد نخ دندان بنویسم آیا دندان کسی با این ترانه تمیزتر خواهد شد؟»

امروزه موسیقی از دوره نسل گذشته تا به حال به سرعت بسیاری داشته است. تنوع فراوان انواع موسیقی حاصل گستره وسیع روش‌های بیان متفاوت هنرمندان است. به نظر می‌رسد که نسل گذشته، موسیقی هنرمندانه را درک کرده و پذیرفته است. اگر چه که هنوز تعداد فراوانی از این افراد هستند که برای بیفرونتی منصفانه‌تر حتی یکبار هم به چنین موسیقی گوش ندادند. یکی از نمونه‌های مشخص این افراد باب دیل^۴ است. یکی از منابع ما او را فردی یکسونگر معرفی می‌کند به حدی که حتی به چنین ترانه‌هایی گوش نمی‌دهد و فقط نوع واژگانی را که در این نوع

موسیقی به کار می‌رود مورد انتقاد قرار می‌دهد. اما از طرفی با وجود حمایت از سانسور، از باب دال نقل است که می‌گوید: «مردم مسؤول رفتارهای خود هستند. فیلم و موسیقی مردم را جنایتکار نمی‌کند. می‌توان گفت که دال تا حدودی از دنیای موسیقی جدا مانده است چرا که هنوز به ممنوع کردن موسیقی Live Crew 2 اشاره می‌کند که مدت‌هاست دیگر کسی آن را اجرا نکرده است.»

بسیاری از موسیقیدانان به مبارزه علیه سانسور موسیقی پیوسته‌اند. آن‌ها معتقدند سانسور، اولین قانون متمم را که از آزادی بیان سخن می‌گوید نقض می‌کند. آن‌ها احساس می‌کنند که آزادیشان سلب شده است. از اینکه «آزادی بیان» همیشه با ایجاد خفقا و سکوت همراه بوده است، صدها نمونه وجود دارد. درست مثل اینکه فریاد «آتش» کشیدن در منطقه‌ای شلوغ و پررفت‌وآمد غیرقانونی است. اما آیا این مثال با ممنوعیت موسیقیدانان که افکارشان را از طریق اشعارشان بیان می‌دارند واقعا قابل مقایسه است؟ در واقع آزادی بیان و اعتقاد نیست که مطرح است، آنچه مورد پرسش قرار می‌گیرد ضوابط اخلاقی است.

در طول پنجاه سال گذشته، موسیقی نو به طور بی‌وقفه تهدید به ممنوعیت شده است. موسیقی لزوما مشکل‌آفرین نیست، بلکه گاهی خود بیان‌کننده مشکلات و معضلات است و هنرمندان نیز با اشعارشان صرفا نظراتشان را عنوان می‌کنند. از آنجایی که افراد فراوانی با نظرات متفاوت وجود دارند، انتخاب چارچوبی برای میزان سانسور کاری بسیار مشکل است. آیا واقعا کسی توانایی آن را دارد که تعریفی برای همه انواع موسیقی ارائه دهد و در عین حال حقوق همه افراد با انواع سلیق را هم در نظر گرفته باشد؟ هر فردی در مورد موسیقی که گوش می‌کند یا ترجیح می‌دهد گوش

نکند حق انتخاب دارد. اگر کسی احساس کند که نوعی از موسیقی باب طبع او نبوده و به نوعی توهین‌آمیز و گستاخانه است، می‌تواند از حق انتخاب خود استفاده کرده و آن را گوش نکند.

در مورد تأثیرات منفی آثار موسیقی بر روی افراد نوجوان جامعه مثال‌های فراوانی وجود دارد. اما این تعداد افراد در مقایسه با درصد جمعیتی که تحت تأثیر چنین موسیقی قرار نگرفته‌اند بسیار ناچیز است. وقتی کورت کوبین^۵ خودکشی کرد، در همان هفته سه نوجوان کانادایی نیز به تبعیت از او خودکشی کردند که این نشان دهنده اثرات منفی بعضی از انواع موسیقی است اما این دلیل بر نفی نکات مثبت موسیقی نیست.

درست به تعداد افراد موافق سانسور موسیقی کسانی هم هستند که با این امر مخالفت می‌کنند. در گذشته تهدیدات فراوانی برای سانسور موسیقی انجام گرفته است که در واقع هیچکدام عملی نشده‌اند. همیشه افرادی چون باب‌دال و تیپر گور وجود داشته‌اند که خواهان سانسور موسیقی بوده‌اند اما عملا موفقیتی به دست نیاورده‌اند. مردم همیشه حق دارند آنچه را توهین‌آمیز می‌یابند نگاه نکنند و گوش ندهند، اما اگر این مطالب به نوعی ممنوع شود، آیا برای مردم جقی برای انتخاب باقی می‌ماند؟

رپ نوعی موسیقی است که واژه‌ها نه به شکل Rap: 1. ترانه بلکه چون جملاتی با سرعت و به صورت ریتمیک توسط خواننده بیان می‌شوند.

2. Tipper Gore
3. Frank Zappa
4. Bob Dole
5. Kurt Cobain
6. Kristy Jackson

آیا موسیقی باید سانسور شود؟

کریستی جکسون
ترجمه فهیمه سارخانی